# مشارکت در امور شهری و الزامات آن[1] در شهر تهران

میثم موسایی*، ملیحه شیانی**

***طرح مسئله:*** *هزارهٔ جدید در حالی آغاز گردید که بیش از نیمی از جمعیت جهان در شهرها زندگی می‌کنند، این مسئله در کنار ضرورت وجود امکانات، درخواست‌ها و نیازها، حضور و مشارکت شهروندان را در ادارهٔ امور الزامی می‌سازد. نکتهٔ قابل تأمل، وجود موانع و عوامل بازدارنده‌ای است که بر سر راه مشارکت وجود دارد. این مقاله با استناد به یافته‌های پژوهشی درصدد شناسایی و تحلیل برخی از این عوامل است.*

***روش:*** *این پژوهش از نوع پیمایشی است و در آن از پرسش‌نامه برای گردآوری اطلاعات استفاده شده است. با استفاده از فرمول کوکران و رتبه‌بندی مناطق به لحاظ درجهٔ توسعه یافتگی ۱۳۷۰ خانوار متناسب با جمعیت هر گروه در مناطق بیست و دو گانهٔ شهر تهران مورد بررسی قرار گرفتند.*

***یافته‌ها:*** *یافته‌های پژوهش بیان‌گر میزان مشارکت پائین افراد در امور شهری تهران است. اما در مقایسه، تفاوت‌هایی میان مناطق مختلف وجود دارد. این سطح از مشارکت تابع متغیرهای متعددی در بعد نگرشی، رفتاری و محیطی افراد پاسخ‌گو بوده است.*

***نتایج:*** *مشارکت در امور را می‌توان از الزامات برون رفت از مشکلات و مسائل شهری دانست که با دموکراتیزه کردن جامعه، تمرکززدایی و توان‌مندسازی اقشار مختلف تحقق می‌یابد. در این راستا، الگوهای سازمان‌یافته، رسمی و برنامه‌ریزی شده در کنار مشارکت‌های خودجوش بهترین راه‌کار خواهد بود.*

***کلیدواژه‌ها: امور شهری، تهران، شهروندی و مدیریت شهری، مشارکت***

***تاریخ دریافت:*** **۸۷/۱۲/۱۸** ***تاریخ پذیرش:*** **۸۹/۴/۱۴**

---

۱- این مقاله برگرفته ازطرح تحقیقاتی«طراحی الگوهای مشارکت شهروندان در امور شهری» است که به سفارش و با حمایت‌مالی شهرداری تهران در دانشگاه تهران در سال ۱۳۸۸ انجام یافته است.

* دکتر اقتصاد، دانشگاه تهران < Mousaaei@ut.ac.ir >

** دکتر جامعه‌شناس، دانشگاه تهران



[ Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-16 ]

**مقدمه**

مشارکت به مفهوم عـام آن از دیربـاز بـا زنـدگی انـسان پیونـد داشـته، امـا در معنـای تخصصی و جدید پدیدهٔ نوینی به شمار می‌رود که از نیمهٔ دوم قرن بیستم و به ویژه پس از جنگ جهانی دوم در حوزهٔ علوم اجتماعی وارد شده است. این نـوع مـشارکت در برخـی کشورهای صنعتی جهان ابتدا در عرصهٔ صنعت و اقتصاد به منظـور سـهیم کـردن مـردم در مالکیت مطرح شد، اما به تدریج به دیگر حوزه‌هـای زنـدگی اجتمـاعی نیـز راه یافـت. بـه گونه‌ای که امروزه سخن از شرایطی است کـه مـردم در تعیـین سرنوشـت خـود و جامعـه دخالت آگاهانه و واقعی داشته باشند. در این زمینه شهرها نقش بسیار مهمی را ایفا می‌کنند.

امروزه مشارکت از الزامات زندگی شهری بـه شـمار مـی‌رود و مـی‌توانـد مـدیریت و برنامه‌ریزی را به شدت تحت تأثیر قرار دهد. از این منظر رویارویی با مسائل و مـشکلات شهری همانند ترافیک، مسکن، نحوهٔ گذران اوقات فراغت و... با بهره‌گیری مناسب از توان و قابلیت‌های شهرنشینان در چارچوب برنامه‌های مشارکتی امکان‌پذیر خواهـد بـود. بـدین معنا که مشارکت در سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و نظارت بر «حیـات شـهری»[1] ضـرورت می‌یابد. نکتهٔ قابل تأمل آن است که با وجود شکل‌گیری اندیشهٔ مشارکت در تمـام ابعـاد و عرصه‌های زندگی و ضرورت ورود نهادهای جامعهٔ مدنی در اداره و کنتـرل شـهرها، ایـن واقعیت هنوز بطور واقعی و عملی محقق نشده و بـا موانـع و عوامـل بازدارنـده‌ای روبـرو است که نیازمند شناسایی و ارائهٔ راهکارهایی جهت رفع آن‌ها است.

**طرح مسئله**

هزارهٔ جدید هنگامی آغاز گردید که بیش از نیمی از جمعیت جهان در شهرها زنـدگی می‌کنند و پیش‌بینی‌ها حاکی از آن است که تا سال ۲۰۵۰ نرخ شهرنشینی در دنیا به بیش از ٦٥ درصد خواهد رسید. این مسئله در کنار ضرورت وجود امکانات، درخواست‌ها و نیازها

1. urban life



[ Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-16 ]

تغییر نقش ساکنان شهر به «شهروند»[1] را در مطالعات شهری بـه موضـوعی محـوری بـدل ساخته است. این ضرورت، گویای تازه‌ترین زمینهٔ مشارکت، یعنی مشارکت شـهروندان در ادارهٔ امور شهری است. مشارکت شهری شهروندان را می‌توان به معنـای حـضور جـدی و شرکت فعال، آگاهانه، ارادی، مؤثر و سازمان‌یافته عناصر جامعهٔ شهری (افراد، خـانواده‌هـا، گروه‌ها، نهادها و بخش‌های دولتی، عمومی و خصوص) یدر فعالیت‌های اقتصادی، اجتمـاعی، فرهنگی زندگی شهری برای دست‌یابی به اهداف جمعی دانست. بدیهی است، این فرآینـد علاوه بر دست‌یابی به اهداف جمعی سبب افزایش عـزت‌نفـس، تعامـل اجتمـاعی، کـسب تجربه و مهارت‌های مشارکت کنندگان نیز خواهد شد(saunders et al, 2003) .

بر همین اساس، پیروان نظریه‌ها و دیدگاه‌های مختلف توجه خود را بر ضـرورت ادارهٔ مردمی شهرها و حمایت از مشارکت تمام افراد جامعـه معطـوف سـاخته و در پـی ایجـاد بسترها و یافتن الگوهای مشارکتی مناسب با این بستر و شهروندان بر آمدند. بایستی توجه داشت در این رویکردها و در راستای تبدیل افراد به شهروندان مشارکت‌جو مقتضیات هـر جامعه بسیار مهم بوده که سیاست‌گذاری‌ها، برنامه‌ریزی‌ها و طراحی الگوها بایـد متناسـب با آن صورت گیرد.

جامعهٔ ایران نیز در زمینهٔ مشارکت از ویژگی‌های خاصـی برخـوردار اسـت کـه بـدون شناخت آن نمی‌توان به اهداف مشارکتی دست یافت. از منظر برخی صاحب‌نظران به دلایل گوناگون تاریخی و فرهنگی مشارکت اجتماعی در ایران دارای تناقض ریشه‌دار است. ایـن تناقض تاریخی نشان می‌دهد که ایرانیان در عرصـه‌هـای غیررسـمی و خـصوصی سـخت مشارکت‌جو بوده‌اند، لیکن در عرصه‌های رسمی نامشارکت‌جو هستند. افـزون بـر آن، ایـن گونه مشارکت‌ها در بسیاری از عرصه‌ها مبتنی بر اجبار، غیرارادی و غیرانتخابی بوده است. (پیران، ۱۳۷٦).این پیچیدگی‌ها نشان‌گر وجود الزامات و پیش‌شرط‌های خاص برای ایجـاد و تقویت مشارکت در جامعهٔ ایران است که بـا توجـه بـه تحـولات پدیـد آمـده در زمینـهٔ

1. citizen



[ Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-16 ]

افزایش و جوانی جمعیت، رشد بی‌سابقهٔ جمعیت شهرنشین و مطالبات و تقاضاهای روزافزون امکان ادارهٔ کشور را به صورت غیرمشارکتی ناممکن ساخته است.

این مقاله بر آن است با استناد به یافته‌های پژوهشی انجام یافته در سال ۱۳۸۸، به این پرسش‌های اصلی پاسخ دهد که میزان تمایل به مشارکت در امور شهری چقدر است و تابع چه عواملی است؟ و سهم هریک از عوامل چقدر است؟ و چه موانع و مشکلاتی در جلب مشارکت در امور شهری وجود دارد؟ به این ترتیب، تصویری از وضعیت مشارکت افراد در شهر تهران ارائه دهد و سپس در شرایط ساختاری پدید آورندهٔ آن، ارتباط میان برخی عوامل تأثیرگذار بر مشارکت در امور شهری را مورد تبیین و تحلیل قرار دهد.

## مبانی نظری

مشارکت در معنای لغوی آن، «سهمی در چیزی غیر از خود داشتن» مشارکت است. (آریانپور، ۱۳۷٤) با هم شریک شدن (عمید، ۱۳٦۹) همکاری کردن و درگیر شدن در یک فعالیت است. (Oxford, 2003).علاوه برآن، تعاریف متعددی هم در حوزه‌های مختلف علوم اجتماعی از مشارکت وجود دارد. در روانشناسی اجتماعی، «مشارکت پدیده‌ای ذهنی است که بدون فلسفه‌ای کارساز و راه‌گشا نمی‌تواند به صورت جزئی از فرهنگ مردم در آید.» (محسنی تبریزی، ۱۳۷۳) در علم مدیریت «جوهرهٔ اصلی مشارکت را درگیری، فعالیت و تأثیرپذیری دانسته‌اند.» (میرموسوی، ۱۳۷۵) به گونه‌ای که در ترکیب با جنبه‌های نظری «مشارکت درگیری ذهنی و عاطفی اشخاص در موقعیت‌های گروهی تعریف شده که آنان را بر می‌انگیزد تا برای دست‌یابی به اهداف گروهی یکدیگر را یاری دهند و در مسئولیت کار شریک شوند.» (طوسی، ۱۳۷۰)

از منظر جامعه‌شناختی «تمایل به مشارکت»، «تعهد و عمل به مشارکت» از هم متمایز است. در برداشت اول، احساس تعلق به گروهی خاص و داشتن سهمی در هستی آن وجود دارد و در معنای دوم، شرکتی فعالانه در گروه و انجام فعالیت اجتماعی مطرح است.



[ Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-16 ]

(بیرو، ۱۳٦٦) در حالی که مشارکت در حوزهٔ سیاسی برابر با کسب قدرت تعریف شده که توان دست‌رسی به منابع لازم برای حفظ معیشت و کنترل این منابع را امکان‌پذیر می‌سازند. (اوکلی، ۱۳۷۰) در جامعه‌شناسی شهری هم مشارکت وسیلهٔ تبدیل شهرنشینان بی‌تفاوت به شهروندان صاحب حقوق و مسئولیت‌های فردی و اجتماعی است. (Falks, 2000) حقی که منعکس کننده نقش فردی اعضای یک جامعه نسبت به یکدیگر است و با اجتماعی شدن انسان، مسئولیت او را افزایش داده و منجر به تعیین حد و حدود قانونی برای دست‌یابی به آن گردیده است. (Macdonald, 2000) به دیگر بیان، مشارکت فرایندی است که توسط آن مردم بر ساختارها، سازمان‌ها و مسئولان تأثیر می‌گذارند تا خدمات شهری مناسب در اختیارشان نهاده شود. بنابر این، مشارکت باعث افزایش ظرفیت مردم در ادارهٔ امور محلی بوده و به نوعی با توانمندسازی مرده همراه است. (Schubler, 1996)

در این نوشتار تأکید اصلی بر مشارکت اجتماعی در عرصهٔ شهری قرار دارد و بر اهدافی ناظر است که جنبهٔ داوطلبانه، آگاهانه، آزادانه، مسئولانه و فعالانه داشته و از سازوکارهای اعمال قدرت به شمار می‌رود. مشارکت در جمع روی می‌دهد و بازتاب می‌یابد. مفهوم شهروندی نقطهٔ اتصال و اشتراک مشارکت اجتماعی و سیاسی به شمار می‌رود. (پیران، ۱۳٦٤ و پیران، ۱۳٦۷) بنابراین، مستلزم ایجاد تغییراتی در حالات ذهنی و روانی آحاد جامعه و در تمایلات، نگرش‌ها و تعهدات آنان است که منجر به احقاق حقوق و مسئولیت‌پذیری گردیده و با توزیع قدرت در جامعه، فعالیت‌های ارادی و داوطلبانه را جهت پیشرفت و توسعهٔ پایدار اجتماعی سامان می‌بخشد.

رویکردها و نظریه‌ها در مراحل شناخت و تبیین خود از مشارکت اجتماعی برخی بر تمایل، انگیزه، گرایش و رفتار مشارکت تأکید داشته و برخی زمینه‌ها، شرایط و عناصر ساختاری مشارکت را محور قرار داده‌اند. در نظریه‌های کنش اجتماعی با تفکیک مشارکت به دو بخش ذهنی و رفتاری، مشارکت به عنوان یک رفتار انسانی از رفتارهای بازتابی متمایز شده چرا که افراد برای رفتار خود معنای ذهنی مشخصی قائلند. (ریتزر، ۱۳۷۳)



[ Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-16 ]

این کنش‌ها در قالب کنش‌های فردی و اجتماعی با تأکید بر معیارهای درونی ذهنی در نظریهٔ ماکس‌وبر و معیارهای عینی و بیرونی در نظریهٔ دورکیم آمده است. (روشه، ۱۳۷٤) در نظریهٔ کنش موجه آیزن و فیش باین بر قصد و نیت افراد در رفتارها تأکید شده و اقدام به مشارکت را همراه شدن انگیزه و امکان مشارکت می‌دانند. از این منظر، عناصر شکل‌دهی به یک کنش: انتظار از نتایج، ارزیابی از نتایج، میزان اطلاعات، تصور از ارزیابی دیگران، انگیزهٔ برای برآوردن توقعات دیگران، اقدام به کنش در گذشته، امکانات و وسایل لازم برای عملی ساختن کنش مطرح شده است. (علوی‌تبار، ۱۳۷۹)

تالکوت پارسونز در نظریهٔ کنش اجتماعی خود، کنش را در برگیرندهٔ حالات احساسی، فکری، رفتاری دانسته که بر اساس الگوهای عملی ساخت‌یابی و جهت‌گیری می‌شوند. مشارکت اجتماعی از یک سو به عنوان کنش تحت تأثیر هنجارهای بیرونی و از سویی دیگر متأثر از حالات فکری، اعتقادی و احساسی درونی و ارتباط میان آن‌ها است که به صورت عوامل مشروط کننده و کنترل کنندهٔ نظام شخصیت در تعامل افراد با جامعه مورد توجه قرار می‌گیرد. در وقوع یک کنش اجتماعی، منفعت طلبی، جمع گرایی و کسب رضایت از عوامل اصلی به شمار میروند که متأثر از شرایط اجتماعی، اقتصادی و سیاسی جامعه هستند.(روشه، ۱۳۷٤)

در نظریهٔ مبادله، هومنز با طرح قضایای مختلف رفتارها را بیش از آن‌که حاصل باورها و گرایش‌ها بداند، نتیجهٔ محاسبهٔ سود و زیان تلقی کرده است. بدین معنا که رفتارها از جمله مشارکت زمانی شکل گرفته، مثبت شده و جنبهٔ نهادی می‌یابند که منافع حاصل از آن بر هزینه‌ها فزونی داشته باشد و افزایش و گسترش آن هم تابع تصور فرد از منافع عینی بیش از هزینه‌ها است. در این قلمرو مسئلهٔ پاداش، تنبیه، انگیزه، ارزش و موفقیت خود را آشکار می‌سازد. (ریتزر، ۱۳۷۳) بنابراین، اگر مشارکت برای انسان همراه با کسب امتیاز و ارزیابی مثبت از نتیجهٔ کنش باشد، تداوم یافته و تکرار خواهد شد.



[ Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-16 ]

در دیدگاه‌ها و نظریه‌ها نابسامانی، از خود بیگانگی و بی قدرتی خصایصی تلقی می‌شوند که متأثر از شرایط اجتماعی هستند و هرچه بیش‌تر در میان افراد جامعه وجود داشته باشند احتمال ورود آنان به فعالیت‌های جمعی و مشارکت کم‌تر می‌شود. به نظر دورکیم، جدایی فرد از هنجارها زمینهٔ بی‌قدرتی، ناامیدی و ناتوانی را ایجاد می‌کند و رفتارهای مشارکتی مبنای انسجام اجتماعی را کاهش می‌دهد (Frisby&Sayer, 1986). بیگانگی سیاسی و اجتماعی که در نظریهٔ مارکس زادهٔ ساختارهای اجتماعی و تحمیلی است در قالب انفعال و بی‌طرفی برخاسته از ناآگاهی سبب دوری از جامعه شده و احتمال بروز رفتارهای مشارکتی را کاهش می‌دهد .(Marx,1973). زیمل هم زندگی در کلان شهرها را سبب دلزدگی و غلبهٔ توانایی‌های آدمی بر ضد خودش دانسته که ناشی از تغییر روابط است. تغییر روابط اجتماعی با به ارمغان آوردن آزادی فردی از یک سو و حل کردن هویت اصلی او در خود شرایط متناقض را بازتاب می‌دهد که باعث وابستگی انسان می‌شود. یعنی دو نیروی متناقض آزادی و اتکاء به دیگران در مقابل فرد سبب بیگانگی و عدم مشارکت می‌گردد. (زیمل، ۱۳۷۲) در این نظریه‌ها بر شرایط و بسترهای نابسامانی و بیگانگی اشاره شده که موجبات عدم مشارکت را فراهم می‌آورند. چنانچه در جامعه شرایط مناسبی برای حضور مردم و مشارکت آنان در فعالیت‌ها فراهم نشود، نمی‌توان انتظار مشارکت واقعی را داشت.

اعتماد نیز به عنوان یکی از ابعاد سرمایهٔ اجتماعی تأثیر به سزایی بر مشارکت و تعامل میان گروه‌ها و افراد خواهد داشت.به زعم پاتنام سرمایهٔ اجتماعی مجموعه‌ای از مفاهیم اعتماد، هنجار هاو شبکه‌ها است که موجب ارتباط و مشارکت بهینهٔ اعضای جامعه می‌شود و در نهایت منافع متقابل آنان را تأمین خواهد کرد. (پاتنام، ۱۳۸۰) این مسئله به ویژه در اعتماد به مسئولان و نهادهای اجتماعی آشکار خواهد شد.

مشارکت در گروه‌ها، انجمن‌ها، نهادها و برنامه‌های اجتماعی از شاخص‌های مهم توسعه فرض شده است. مشارکت در یک سنت فکری وسیله و ابزار نیل به توسعه و در



[ Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-16 ]

سنت فکری دیگر در قالب رشد توانایی‌ها و خلاقیت‌های شهروندان مورد توجه قرار گرفته است. هانتینگتون در جوامع در حال توسعه دو عامل را در گسترش مشارکت بسیار مؤثر دانسته است. نگرش نخبگان سیاسی در قبال مشارکت و برخورداری آنان از امکانات و منابع برای تشویق مردم و دوم، آگاهی گروهی و انسجام اجتماعی، بسته به ریشه‌دار بودن و گستردگی سنت‌های زندگی جمعی، فعالیت در انجمن‌ها و نهادهای جمعی. (هانتینگتون، ۱۳۷۵) هابرماس هم در قالب حوزهٔ عمومی، شرایط دسترسی برابر به مشارکت را به صورت ضرورت اجتماعات گفتمانی پیشنهاد می‌کند. توانایی انسان برای تغییر حیات اجتماعی خود و ساخت زندگی مطلوب و تکامل یافته مفروض دانسته شده است، انسانی که بر سرنوشت خود حاکم است و می‌تواند راه و روش خود را تعیین کند. بر این اساس، افراد بایستی در جامعهٔ مدنی و در ارتباط با دیگران، ایده تکامل و توسعه اجتماعی را باز یابند. (شیانی، ۱۳۸۲)

با مرور دیدگاه‌ها و نظریه‌ها، می‌توان دریافت که مشارکت اجتماعی پدیده‌ای چندبعدی است که تحقق آن نیازمند شرایط و الزامات خاص است. چارچوب نظری پژوهش مبتنی بر ترکیبی از آراء، نظریه‌ها و تجارب کشورها، رفتارهای مشارکتی را متأثر از زمینه‌های عینی و ذهنی دانسته که بخشی از آن از خصایص درونی و بخشی عوامل بیرونی ناشی می‌شود. این عناصر در ارتباط متقابل میان اعضای جامعه در کنش‌های اجتماعی شکل می‌گیرد و توسط ساختارهای جامعه مشروط می‌شود. بنابر این، با تأثیرپذیری، انسان در موقعیت‌های واقعی باید تصمیم بگیرد که چه عملی را انجام دهد و چگونه رفتار کند. به اعتقاد پارسونز، کنش به سوی نیل به اهداف جهت می‌یابد که سه بعد این روند معرفتی، انگیزشی و ارزش‌گذاری است. هر کنش‌گر برای رسیدن به هدف باید تلاش کند، دارای اطلاعات دربارهٔ امور باشد، نسبت به نیازهای خود حساس باشد و سپس اقدام به انتخاب کند. علاوه بر آن، باید معیارهایی برای ارزیابی داشته باشد که همه در جامعه و در ارتباط متقابل با دیگران، اجتماعی می‌شود. (کوهن، ۱۳۸۱) در حقیقت، کنش اجتماعی ـ مشارکت



[ Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-16 ]

در امور شهری ـ در یک نظام اجتماعی متشکل از ارتباط متقابل، انتظارات متقابل، تعهدات متقابل و ضمانت‌های اجـرا شـکل مـی‌گیـرد. از ایـن‌رو، در ارتبـاط فـرد و جامعـه، نظـام شخصیتی افراد و نظام اجتماعی در تعامل با هم قرار می‌گیرند.

به بیان دیگر، مشارکت اجتماعی یک حرکت نظـام‌دار اسـت کـه از افـراد، گـروه‌هـا و جامعه سر می‌زند و هدف خاصی را دنبـال مـی‌کنـد. ایـن حرکـت از شـرایط و امکانـات بهره‌گیری می‌کند یا در جریان خود با موانعی مواجه می‌شود. از آن‌جا که پژوهش در زمینهٔ مشارکت در امور شهری بخش اندکی از مطالعـات را بـه خـود اختـصاص داده عوامـل و شرایطی که بر مشارکت اجتماعی در امور شهری مؤثر اسـت در کـلان شـهر تهـران مـورد بررسی قرار گرفته است.

## روش‌شناسی

روش مورد استفاده در پژوهشی که نوشتار حاضر بر اساس یافته‌های آن تدوین گردیده «پیمایش» بوده است. به منظـور گـردآوری اطلاعـات از تکنیـک پرسـش‌نامـه و مـصاحبه بهره‌گیری شده است. در تنظیم پرسش‌نامه مراحل متعددی جهت سنجش روایـی و پایـایی ابزار طی شده است. پس از بررسی نظریه‌ها ومطالعات پیشین پرسش‌نامه مقدماتی تنظیم و در اختیار تعدادی از اساتید دانشگاه و متخصصان در حوزهٔ مـشارکت گذاشـته شـد.سـپس اصلاحات لازم طبق نظرات مطرح شده انجـام شـد.پـس از آن ۵۰ پرسـش‌نامـه درمنـاطق مختلف تهران تکمیل و نتایج استخراج گردید.

پرسش‌نامه حاوی پرسش‌های مربوط به متغیر وابسته و متغیرهای مستقل بوده کـه بـا استفاده از تکنیک تحلیل عاملی اعتبار و پایایی متغیر وابسته (تمایل به مـشارکت در امـور شهری) سنجش و مورد بازنگری قرار گرفت و در نهایت مقیاس چهار بعدی زیر به دست آمد:



[ Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-16 ]

ابزار یا مقیاس چهار بعدی سنجش تمایل به مشارکت در امور شهری

| ردیف | مؤلفه‌ها و شاخص‌ها | عوامل | | | |
|---|---|---|---|---|---|
| | | ۱ | ۲ | ۳ | ٤ |
| ۱ | **همکاری با شهرداری** | | | | |
| ۱-۱ | کمک به تأسیس کتابخانه، فرهنگ‌سرا، سینما و... | ۰/۵۹۱ | | | |
| ۱-۲ | کمک به نظافت کوچه‌ها، جمع‌آوری زبا له ها | ۰/۷۹۸ | | | |
| ۱-۳ | کمک به اجرای قوانین ساخت و ساز | ۰/۸۷۷ | | | |
| ۱-٤ | کمک به ایجاد امکانات ورزشی و تفریحی | ۰/٦۸۹ | | | |
| ۱-۵ | کمک به نیاز مندان و سالمندان | ۰/٦۱۱ | | | |
| ۱-٦ | برگزاری مراسم جشن و عزاداری در محل | ۰/۸۹۹ | | | |
| ۲ | **شرکت در فعا لیت‌های شهروندی** | | | | |
| ۲-۱ | پیگیری امور محله | | ۰/٦۷٦ | | |
| ۲-۲ | ملا قات حضوری با مسؤلان | | ۰/۸۰۱ | | |
| ۲-۳ | تماس تلفنی با مسؤلان | | ۰/۷٦٦ | | |
| ۲-٤ | کمک به اجرای قوانین | | ۰/٦۵۵ | | |
| ۲-۵ | همکاری با شورا یاری‌ها | | ۰/۷٦۰ | | |
| ۲-٦ | کمک به ایجاد فضاهای تفریحی، ورزشی و آموزشی | | ۰/۷۵۵ | | |
| ۳ | **تمایل به مشارکت با شهرداری** | | | | |
| ۳-۱ | اطلاع رسانی دربارهٔ مواد، سد معبر و... | | | ۰/۷۳۳ | |
| ۳-۲ | رعایت قوانین و مقررات ساخت و ساز و مقاوم‌سازی و... | | | ۰/۸۳۲ | |
| ۳-۳ | کمک به تاسیس کتابخانه و سایر مراکز فرهنگی و... | | | ۰/۸۱٤ | |
| ۳-٤ | مشارکت در آموزش مردم | | | ۰/٦۳۱ | |
| ۳_۵ | ارائهٔ نظرات و پیشنهادات برای تدوین و اجرای برنامه ها | | | | |
| ٤ | **شرکت در فعا لیت‌های داوطلبانه** | | | | |
| ٤-۱ | فعالیت‌های عام المنفعه | | | | ۰/۸۱۲ |



[ Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-16 ]

**روش استخراج عوامل**: تحلیل مؤلفه اصلی
**روش چرخش**: وارلاکس با هنجارسازی کیزر
KMO=۰/۷۳۳
Bartlett's test p value ≤۰/۰۰۱
$R^2 = ۰/۶۱۲$
Adjusted $R^2 = ۰/۶۱۰$

همان‌طوری‌که در زیر مقیاس آمده است (K-M-O) مناسب بودن نمونه و آزمون کای‌اسکویربارتلت (Bartlott's Test of Approx-Chi-Square) و معنی‌داری آن در سطحی عالی مورد تأیید قرار گرفته است.

جامعهٔ آماری را خانوارهای ساکن شهر تهران تشکیل می‌دهند که برای تعیین و انتخاب نمونهٔ مناسب از میان آنان ابتدا بر اساس شاخص‌های فضایی ـ اجتماعی و رتبه‌بندی درجهٔ توسعه‌یافتگی مناطق ۲۲ گانهٔ تهران به ۵ گروه تقسیم شدند:

گروه اول ـ مناطق ۱، ۲، ۳ و ٦
گروه دوم ـ مناطق ٤، ۵، ۱۱، ۲۱ و ۲۲
گروه سوم ـ مناطق ۷، ۱۲، ۱۳ و ۱۸
گروه چهارم ـ مناطق ۱۰، ١٤، ۱۵، ١٦ و ۲۰
گروه پنجم ـ مناطق ۸، ۹، ۱۷ و ۱۹

پس از آن، حجم نمونه در هر گروه توسط فرمول کوکران $n = \frac{Nt^2pq}{Nd^2 + t^2pq}$ تعیین گردید. به دلیل نبود اطلاعات دقیق از توزیع صفت متغیر مورد مطالعه، بالاترین حالات ممکن p=q=۰/۵ در نظر گرفته شد و در سطح خطای ٦ درصد با جایگذاری جمعیت، حجم نمونه برای هر گروه ۲٦۷ منظور برآورد گردید، یعنی ۱۳۳۵ خانوار. با گرد کردن اعداد جمعیت در بلوک‌های تعیین شده در نقشه‌ها نمونه به ۱۳۷۰ خانوار افزایش یافت و سپس در هر بلوک حدود ۱۰ خانوار به طور تصادفی انتخاب شدند. توزیع نمونه‌ها در هر



[ Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-16 ]

منطقه با توجه به وسعت و جمعیت بوده است. پاسخ‌گویان افراد ۱۸ سال به بالا در خانوارها بودند که به صورت تصادفی انتخاب و مورد پرسش قرار گرفتند.

## توصیف یافته‌ها

در مجموع ۱۳۷۰ نفر از ساکنان شهر تهران در مناطق مختلف مورد مطالعه قرار گرفته‌اند که ۵۰/٤ درصد آنان را مردان و ٤۹/٦ درصد را زنان تشکیل می‌دهند. حداقل سن ۱۵ و حداکثر ۷۷ سال بوده است. میانگین سنی ۳۰/٦ سال برآورد شده و اکثریت در گروه سنی ۲٤-۱۵ سال قرار داشته که با توجه به جوانی جمعیت قابل توجیه است. ٦۲/۷ درصد افراد محل تولد خود را تهران ذکر کرده و ۳٦/٤ درصد هم متولدان سایر شهرها غیر از تهران هستند. گسترهٔ مدت اقامت در تهران با میانگین حدود ۲۵ سال، بین ۱ تا ۷۲ سال نوسان داشته است. در حالی که مدت اقامت در محله با میانگین ۱۱/٦ سال نشان می‌دهد نیمی از افراد کمتر از ۹ سال و نیمی دیگر بیش از ۹ سال است که در محلهٔ فعلی سکونت دارند. در حدود ۵۵ درصد پاسخ‌گویان فارس بوده، ۱۹/۳ درصد آذری، ۹/۲ درصد گیلک ۵/۹ درصد لر، ۳/۱ درصد ترکمن، ۱/۵ درصد بلوچ و ۱/٤ درصد عرب هستند.

اکثر افراد تحصیلات دیپلم داشته، ۲۲/۵ درصد زیر دیپلم، ۱۳/۷ درصد فوق دیپلم و ۲٦/۲ درصد دارای تحصیلات لیسانس و بالاتر هستند. به لحاظ وضع فعالیت ۸۷/۱ درصد خانه‌دار، ۱۷/۵ درصد دانشجو و ۱۲/۷ درصد دانش‌آموز و بقیه در زمرهٔ بازنشستگان، بیکاران، طلاب و سربازان قرار دارند. بیش از ٤۵ درصد افراد شاغل بوده و عمدتاً در مشاغل آزاد و دفتری ـ اداری به کار اشتغال دارند. نیمی از افراد، درآمدی کم‌تر از ۵۰۰ هزار تومان در ماه و نیمی بالاتر از این رقم درآمدشان است. حداقل درآمد ۱۳۰ هزار تومان در ماه عنوان شده و فقط ۵ درصد درآمدی بالاتر از ۱ میلیون و ٤۰۰ هزار تومان داشته‌اند. میانهٔ هزینه‌های خانوار ٤۰۰ هزار تومان برآورد شده و اکثریت ٤۳/۳ درصد هزینهٔ ماهیانهٔ خود را ۳۰۰ تا ۵۰۰ هزار تومان ذکر کرده‌اند. ٤۷/٤ درصد افراد مورد بررسی دارای مسکن



[ Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-16 ]

شخصی بوده، ۲۵/۳ درصد به صورت استیجاری، ۲/۲ درصد در خانه‌های سازمانی و ۲۱/۸ درصد در خانهٔ پدری ساکن هستند.

بر اساس نظریهٔ پارسونز، نظام شخصیت در ابعاد فعال‌گرایی، تقدیرگرایی، فردگرایی، آینده‌نگری و عام‌گرایی در قالب مقیاسی چندبعدی مورد سنجش قرار گرفت. بالاترین میانگین مربوط به عام‌گرایی و کم‌ترین متعلق به فعال‌گرایی بوده است. با این وجود بالاترین درصدها در هر مورد ٤١/٢ درصد فعال‌گرایی به مقولهٔ اصلاً، ٣٦/٩ درصد تقدیرگرایی تا حدودی، ٣٣/٩ درصد فردگرایی تا حدودی، آینده‌نگری ٣٢/٤ درصد تا حدودی و ٣٠/٤ درصد عام‌گرایی تا حدودی اختصاص داشته است. از ترکیب گویه‌ها دو نوع شخصیت فعال و منفعل به دست آمد. از حیث فعال بودن ٤١/٨ درصد در حد کم و ٢٤/٣ درصد زیاد قرار داشتند که به لحاظ مشارکت اجتماعی نکتهٔ قابل تأملی است. احساس تعلق فردی و جمعی از عناصر مهم سرمایهٔ اجتماعی به شمار می‌رود که در افراد پاسخ‌گو ٦٩/١ درصد به خانواده، ٦/٩ درصد قوم و طایفه، ٣/٢ درصد شهر، ٠/٧ درصد محله و ١٩/٣ درصد کشور وجود داشته است. همچنین در مورد افراد و گروه‌های اجتماعی بالاترین حد تعلق ٨١/٧ درصد مربوط به اعضای خانواده بوده، ٤/٧ درصد فامیل و خویشاوندان، ٣/٤ درصد دوستان، ١/١ درصد همسایگان، ١٤ درصد همشهری‌ها و ٦/٤ درصد هم‌وطنان را ذکر کرده‌اند. پائین‌ترین احساس تعلق نسبت به محله و همسایگان بوده که در مدیریت شهری اجتماع‌محور و مشارکتی بسیار حائز اهمیت است. در مجموع، احساس تعلق ٧٧/٥ درصد احساس تعلق کم و ٩/١ درصد زیاد نسبت به افراد، گروه‌ها و اجتماعات مختلف وجود داشته است.

با توجه به محوریت محله در مباحث مدیریت و برنامه‌ریزی شهری ارزیابی از وضعیت محله در ابعاد مختلف مطرح شده است. ارزیابی در زمینهٔ جمع‌آوری زباله و نظافت خیابان‌ها و کوچه‌ها، وضعیت آسفالت، حمل و نقل عمومی، مراکز ورزشی و تفریحی، فضای سبز و پارک‌ها و امنیت در حد متوسط رو به خوب بوده است. بالاترین



[ Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-16 ]

حد به فضای سبز و پارک‌ها با میانگین ۲/۷۱ و پائین‌ترین ۲/۵۰ به مرکز تفریحی و سرگرمی اختصاص داشته است. رضایت از زندگی در محله ۳٦/۳ درصد در حد کم و ٤٤/٦ درصد متوسط و ۱۹/۱ درصد زیاد بوده که نکتهٔ قابل توجهی است. در مجموع، میزان مطلوبیت محله ۲٤/٦ درصد کم، ۳۳/۹ درصد متوسط و ٤۱/۵ درصد زیاد برآورد شده است. بنابر اظهارات پاسخ‌گویان نهادهای مذهبی، صندوق‌های قرض‌الحسنه و انجمن‌های همسایگی به ترتیب مهم‌ترین نهادهای محله هستند و نهادهای سیاسی و تعاونی‌ها کم‌ترین حد فعالیت را دارند.

شهرداری در تمام کشورهای جهان به عنوان رکن مهمی در مدیریت شهری به انجام وظایف متعدد می‌پردازد. در این پژوهش اکثر افراد حدود ۸۹ درصد آگاهی زیادی از وظایف شهرداری داشته‌اند، اما میزان اعتماد شهروندان تهرانی به شهرداری حدود ٤۱ درصد کم، ٤۳/۱ درصد متوسط و ۱٤ درصد زیاد بوده است. همچنین، ٤۰/٤ درصد از شهرداری و عمل‌کرد آن در شهر تهران رضایت کم، ٤۲/٤ درصد در حد متوسط و حدود ۱٦ درصد رضایت زیاد داشته‌اند. از نظر افراد مورد مطالعه اصلی‌ترین موانع مشارکت مردم با شهرداری به ترتیب مربوط به عدم توجه مسئولان، ضعف مدیریت، نارضایتی مردم، مشکلات مالی، عدم نظارت و کمبود وقت است. به نظر پاسخ‌گویان شهرداری و مسئولان آن با نظرخواهی از مردم، مدیریت بهتر، آموزش، جلب اعتماد و بومی کردن پرسنل شهرداری در جهت افزایش مشارکت اقدام نمایند.

در مجموع با توجه به مؤلفه‌های متعدد ۲۹/٤ درصد افراد نگرش منفی نسبت به مشارکت داشته، ٤۸ درصد رویکردی بینابین و ۲٤/٦ درصد هم نگرش مثبت نسبت به مشارکت در امور مختلف جامعه داشته‌اند. طبق یافته‌ها در بعد رفتاری، بیش از ۷۲ درصد هیچ همکاری با انجمن‌ها و نهادهای مدنی نداشته و حدود ۲۲ درصد در فعالیتهای نهادهای مذهبی، ورزشی، بسیج و خیریه مشارکت داشته‌اند. میزان مشارکت‌های اجتماعی حدود ۷۰ درصد کم، ۲۲/۹ درصد زیاد و ۷/۱ درصد متوسط ارزیابی شده است. از نظر



[ Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-16 ]

پاسخ‌گویان، رسیدگی به وضعیت مردم، فرهنگ‌سازی و آموزش، توجه به مشکلات، اطلاع‌رسانی و الگو برداری از تجارب سایر کشورها و... می‌تواند شرایط و بستر مناسبی را برای افزایش مشارکت فراهم آورد.

در ابعاد مختلف مشارکت در امور شهری، حدود ٤٢ درصد اظهار تمایل زیاد برای همکاری با شهرداری را اعلام کرده‌اند. بالاترین میزان تمایل به همکاری در زمینهٔ کمک به نیازمندان، برگزاری مراسم جشن یا سوگواری و کم‌ترین حد در خصوص تأسیس کتابخانه و سینما مطرح شده است. تمایل به مشارکت در امور شهرداری در میان اکثریت افراد بیش از ۹۰ درصد کم بوده و بر حسب میانگین‌ها بالاترین حد به رعایت قوانین ساخت و ساز و مقاوم‌سازی ساختمان‌ها اختصاص داشته و کم‌ترین حد هم به اطلاع‌رسانی دربارهٔ بازیافت و سد معبر و تأسیس مراکز فرهنگی تعلق داشته است. شرکت در فعالیت‌های داوطلبانه و عام‌المنفعه در میان حدود ۵۸ درصد کم و ۱۳ درصد زیاد بوده است. شرکت در فعالیت‌های شهروندی هم در کل پائین‌بوده که کم‌ترین حد متعلق به همکاری با شوراهای شهر و شورایاری‌ها و بالاترین حد تمایل به همکاری با مناطق شهرداری و کمک در فعالیت‌های شهرداری بوده است.

## تحلیل و تبیین یافته‌ها

نتایج حاصل از جداول متقاطع و آزمون‌های آماری و ضرایب همبستگی پیرسون نشان می‌دهد، تمایل به مشارکت در امور شهری بر حسب جنس متفاوت بوده است. مردان نسبت به زنان از میزان تمایل بیش‌تری برخوردار هستند. همچنین، تهرانی‌ها در مقایسه با غیرتهرانی‌ها تمایل بیش‌تری نسبت به مشارکت در امور شهری دارند. سایر متغیرها هم در سطوح معناداری قابل قبول دارای رابطه با تمایل به مشارکت در امور شهری بوده‌اند. برخورداری از شخصیت فعال‌تر توانسته تأثیر مثبت بر مشارکت داشته باشد. (P=۰/۰۰۱ و ٦١/٤٥٧) همچنین احساس تعلق بیش‌تر به جامعه، زمینه را برای تمایل بیش‌تر و رفتارهای



[ Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-16 ]

مشارکتی فراهم نموده است. (p=۰/۰۰۱ و ۳۷/۶۱) ارزیابی منفی از محله، (p=۰/۰۰۱ و ۸۰/۶۶) سبب کاهش مشارکت شده و تأثیر نامطلوب داشته است. آگاهی از وظایف شهرداری دارای رابطهٔ معنادار با تمایل به مشارکت بوده است. اما بیش‌ترین حد (p=۰/۰۰۲ و ۳۱/۱۴۱) مربوط به آگاهی در حد متوسط بوده است. نگرش مثبت نسبت به مشارکت در عرصه‌های مختلف هم رابطه مستقیم با متغیر وابسته داشته است. (p=۰/۰۱۲ و ۲۵/۷۵) میزان اعتماد به شهرداری هم هرچه بیش‌تر بوده، زمینه را برای تمایل بیش‌تر به مشارکت در امور شهری فراهم نموده است (p=۰/۰۰۱ و ۳۶/۴۵) داشتن تجربه مشارکتی در ابعاد غیررسمی و رسمی هم بر میزان تمایل به مشارکت در امور شهری تأثیر مثبت داشته است. (p=۰/۰۰۰ و ۸۲/۵۸۳)

به منظور بررسی دقیق‌تر و تعیین وضعیت مشارکت میان مناطق از آنالیز واریانس و تفاوت میانگین‌ها بهره‌گیری شده است. بر طبق جدول زیر تفاوت میانگین‌ها در تمایل به مشارکت در امور شهری میان گروه منطقه‌ای یک، چهار و پنج معنادار است. میانگین‌ها به ترتیب ۳۷/۷۲، ۳۳/۲۸ و ۳۲/۷۲ با آزمون F=۴/۳۵ و P=۰/۰۰۰ نشان‌گر تمایل بیش‌تر به مشارکت در گروه منطقه‌ای یک است. به لحاظ نگرش به مشارکت تفاوت معناداری بین گروه‌های منطقه‌ای وجود ندارد، با وجودی که کم‌ترین حد مشارکت را می‌توان در گروه منطقه‌ای سه مشاهده کرد. همچنین مطابق با آزمون F=۳/۹۶ با معناداری ۹۹ درصد بین گروه‌های منطقه‌ای به لحاظ میزان مشارکت تفاوت وجود دارد. گروه منطقه‌ای پنج با ۱۹/۷۵، دو ۱۵/۲۸، سه ۱۴/۷۶ و چهار ۱۵/۱۹ مشارکت مشخص شده‌اند. بالاترین میزان مشارکت متعلق به گروه منطقه‌ای پنج و کم‌ترین سه است.



[ Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-16 ]

جدول ۱- مقایسهٔ میانگین‌ها بر حسب گروه‌های منطقه‌ای

| ردیف | متغیرها | گروه منطقه‌ای یک (٦ و ٣ و ٢ و ١) | گروه منطقه‌ای دو (٢٢ و ٢١ و ١١ و ٥ و ٤) | گروه منطقه‌ای سه (١٨ و ١٣ و ١٢ و ٧) | گروه منطقه‌ای چهار (١٦ و ١٥ و ١٤ و ١٠) | گروه منطقه‌ای پنج (١٩ و ١٧ و ٩ و ٨) |
|---|---|---|---|---|---|---|
| ١ | شخصیت فعال | ٤٧/٢٥ | ٤٦/٥٢ | ٥٠/٠ | ٤٦/١١ | ٤٤/٧٤ |
| ٢ | احساس تعلق | ١٤/٢٧ | ١٧/٥٢ | ١٥/٦٩ | ١٨/٥٨ | ١٢/٠٨ |
| ٣ | ارزیابی از محله | ٥٣/٩٢ | ٥٧/٨٩ | ٥٣/٥٢ | ٥٤/٤٥ | ٤٦/١٦ |
| ٤ | آگاهی از وظایف شهرداری | ٨٥/٢٧ | ٨٧/٠ | ٨٦/٠٦ | ٨٥/٤٧ | ٨٦/٨٩ |
| ٥ | نگرش به مشارکت | ٤٧/٤٤ | ٤٨/٠٨ | ٤٠/٩٨ | ٤٥/٦٤ | ٤٦/٩٢ |
| ٦ | مشارکت اجتماعی | ١٨/٢٥ | ١٥/٢٨ | ١٤/٧٦ | ١٥/١٩ | ١٩/٧٥ |
| ٧ | تمایل به مشارکت در امور شهری | ٣٧/٧٢ | ٣٥/٦٤ | ٣٦/٠٦ | ٣٣/٢٨ | ٣٢/٧٢ |

در مقایسهٔ میانگین‌های گروه‌های منطقه‌ای، منفعل‌ترین شخصیت، کم‌ترین احساس تعلق و منفی‌ترین ارزیابی از محله به گروه پنج تعلق داشته است. آگاهی از وظایف شهرداری تقریباً در تمام گروه‌ها یکسان بوده، ولی پائین‌ترین میانگین به گروه یک اختصاص دارد. پائین‌ترین میزان مشارکت اجتماعی و نگرش منفی به مشارکت هم متعلق به گروه سه است. تمایل به مشارکت در امور شهری هم پائین‌ترین حد در گروه پنج قابل مشاهده است.

در مرحلهٔ نهایی، به منظور تعیین سهم هر یک از متغیرها در تبیین تمایل به مشارکت در امور شهری تحلیل چند متغیری انجام شده است. مدل مورد استفاده در این تحقیق به شکل زیر تصریح شده است:

$$Y= a0+a1x1+a2x2+a3x3+a4x4+a5D+Ut$$



[ Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-16 ]

که در آن Y لگاریتم تمایل به مشارکت در امور شهری به عنوان متغیر وابسته است و D,x1,x2,x3,x4,x5, به ترتیب لگاریتم‌های میزان آگاهی از وظایف شهرداری، اعتماد به شهرداری، ارزیابی از وضعیت محله و نگرش به مشارکت است که در مدل اصلی اولیه در هم ضرب شده‌اند و در این جا مقادیر آن‌ها به شکل لگاریتمی است لذا به شکل خطی نوشته شده تا برآورد آن به راحتی صورت گرفته و ضرایب تخمین زده شده بیان‌گر میزان کشش باشد و a0 عرض از مبدأ و a1 تا a5 ضرایب اند که کشش‌ها را بیان می‌کند. Ut نیز اختلال است که بیان‌گر تأثیر تمام عواملی است که در این معادلهٔ ساختاری دیده نشده است و همان طوری که بیان شد، این مدل به صورت لگاریتمی تخمین زده شده تا ضرایب به دست آمده بتواند درجهٔ حساسیت متغیر وابسته را نسبت به عوامل تأثیر گذار نشان دهد. لازم به توضیح است که پس از سنجش و برازش مدل‌های مختلف رگرسیونی، مدل مذکور برگزیده شد که ضرایب نشان می‌دهد تمام ضرایب معنادار بوده و طبق $R^2$ محاسبه شده، متغیرهای توضیحی می‌توانند بیش از ٦٠ درصد از تغییرات متغیر وابسته را تبیین کنند. عرض از مبدأ معنادار هم بیان‌گر حد متوسط تمام متغیرهای حذف شده از مدل است:

$$Y= ۱۳/۸٤ + ۱/۹۳ X_۱ - ۰/۱۱ X_۲ + ۰/۰۷ X_۳ - ۰/۱۳ X_٤ + ۰/۰۷۲ X_٥ + ۸۰/۰۷D$$

| | | | | | | |
|---|---|---|---|---|---|---|
| St := ٤/۰۰۲ | ۰/٥۱۷ | /۰۲٦ | ۰/۰۲۳ | ۰/۰۳ | ۰/۰۳۲ | ۱/۹۰٥ |
| t:= ۳/٤٥۹ | ۳/۷٤۱ | -٤/۰۳٥ | ۳/۲۰۸ | -٤/۳٦۰ | ۲/۲۲٥ | ٤۲/۰۲۹ |

| | | | |
|---|---|---|---|
| $R^2$ = ۰/٦۱۲ | Adjusted $R^2$ = ۰/٦۱ | F = ۳۱۳/۳۰٥ | Sig = ۰/۰۰۰۰ |

طبق نتایج به ازای یک واحد افزایش در میزان آگاهی از وظایف شهرداری، تمایل به مشارکت در امور شهری ۱/۹۳ واحد افزایش می‌یابد. افزایش اعتماد به شهرداری رابطهٔ معکوس با تمایل به مشارکت را نشان می‌دهد. این نتیجه، بازتاب فراهم نبودن بسترها و الزامات مشارکت در جامعه است و احتمالاً فعالیت در امور شهری را تنها وظیفهٔ شهرداری



[ Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-16 ]

قلمداد می‌کنند. نگرش به مشارکت با بتای ۰/۰۷ هم در انطباق با مباحث نظری زمینه را برای تمایل بیش‌تر برای مشارکت در امور شهری فراهم می‌آورد. با تقویت این نگرش‌ها می‌توان مشارکت در امور شهری را افزایش داد. ارزیابی منفی از محله هم با بتای ۰/۱۳- توانسته بخشی از تمایل به مشارکت را تبیین کند. ارزیابی منفی از وضعیت محله در کنار نگرش مثبت به مشارکت، آمادگی و احساس نیاز به مشارکت را در میان این افراد نشان می‌دهد. بالأخره، داشتن تجربهٔ مشارکتی در عرصه‌های مختلف هم با بتای ۰/۰۷۲ توانسته تمایل به مشارکت در امور شهری را افزایش دهد. بدین معنا که در کنار آموزش، تجربه هم می‌تواند تأثیرات مثبت بر مشارکت را بازتاب دهد.f آماره نیز نشان می‌دهد در مجموع رگرسیون معنادار بوده و می‌تواند بخش قابل توجهی از تغییرات متغیر وابسته را نشان دهد.

## بحث و نتیجه‌گیری

بدیهی است با رشد شتابان شهرها و شهرنشینی در دهه‌های اخیر حکومت‌ها به تنهایی و بدون اتکاء به مردم قادر به اداره امور جامعه نخواهند بود. به عبارت دیگر، تنها بخشی از فعالیت‌های مرتبط با زندگی شهری توسط فرایندها و روابط رسمی تعیین می‌گردد، اما بسیاری از آن‌ها در تولید، مبادلات، تصمیم‌گیری و... از طریق روابط غیررسمی انجام می‌شود. در چنین شرایطی عدم حضور و دخالت شهرنشینان در جامعهٔ مدنی و عدم همکاری با دولت‌ها زمینه را برای تشدید مسائل و مشکلات شهری فراهم خواهد کرد. از این‌رو، در چند دههٔ اخیر پارادایم جدیدی از مدیریت شهری، مشارکت را محور سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌های خود قرار داده است. در این پارادایم، نظام مدیریت شهری به تقویت حس اعتماد و همکاری میان مدیران شهری و شهرنشینان و حل مسائل و مشکلات شهری از طریق «مشارکت» می‌پردازد. در واقع، مشارکت در امور شهری افزون بر هویت‌یابی فردی و جمعی برای افراد، مبنایی برای تعامل فرآیندهای رسمی و غیررسمی شده است.



[ Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-16 ]

طبق یافته‌های پـژوهش مـشارکت در عرصـه‌هـای رسـمی و غیررسـمی و تمایـل بـه مشارکت در امور شهری بسیار پائین است و این در حالی است که بسیاری از اندیـشمندان مهم‌ترین خصیصهٔ جوامع مدرن را پیوند گسست‌ناپذیر آیـین شـهروندی و مـشارکت‌هـای مدنی در یک مرکز سیاسی ـ جغرافیایی به نام «شهر» دانسته‌اند. بدیهی است عواملی وجود دارند که امکان مـشارکت را خدشـه‌دار سـاخته و تمایـل بـه دخالـت در امـور را محـدود می‌نمایند. مطابق با نظر پارسونز ویژگی‌هـای فـردی بـه ویـژه نظـام شخـصیت مـشارکت کنندگان از جمله این عوامل است. شخصیت فعـال در راسـتای مفهـوم شـهروندی ضـمن برخورداری از حقوق، تعهداتی را احساس می‌کند و خود را مکلف بـه مـشارکت و ایفـای نقش در جامعه می‌داند. بنابراین، بسترسازی برای ایجاد و تقویت چنین شخصیتی در مقابل شخصیت‌های منفعل بـرای افـزایش مـشارکت ضـروری بـه نظـر مـی‌رسـد. نگـرش‌هـای روان‌شناختی میان شهروندان، نگرش‌هایی که از توسعه یک نقش و شخصیت فعـال بـرای آنان در حکومت حمایت می‌کنند و به یک توافق اساسی منجر می‌شوند، توافق بر سر مشروعیت نهادهـای سیاسی و جهت و محتوای سیاست‌های عمومی، ظرفیت بالای تحمل، تنوع و چندگانگی، علایق، باور بـه قابلیت تلفیق و تطبیق آن‌ها و توسعه، احساس گستردهٔ رقابت سیاسـی و اعتمـاد بـه شـهروندان را مطـرح می‌سازند. (Charuvichaipong & Sajar, 2006)

بر اساس یافته‌های به دست آمده، تقویت مشارکت مستلزم ایجاد انگیزه، احساس تعلق به دیگران و اجتماعات است. هرچه شعاع تعلق به شهر و محله بیش‌تر شود، میزان تمایـل به مشارکت در امور شهری هم افزایش می‌یابد. در این خصوص، فرهنگ‌سازی و آمـوزش حائز اهمیت خواهد بود. در همین راستا، ارزیابی از وضعیت محله و مطلوبیت زنـدگی در آن هم می‌تواند بر فرآیند مشارکت و بهبود کیفیت شرایط نقش اساسی ایفا نماید.

همان‌طوری‌که در نظریه‌های دورکیم، زیمل و وبر آمد، تقویت مشارکت نیازمند آگاهی، جلب اعتماد، احساس رضایت و تمایل به همکاری با نهادهای شـهری و برقـراری روابـط محکم میان شهروندان و مدیران شهری است. از این‌رو، توصیه می‌شـود کـه سـازمان‌هـا و



[ Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-16 ]

نهادهای ذیربط به ویژه شهرداری، ابتدا به آموزش وظایف شهرداری و مردم، جلب اعتماد و افزایش تجربه همکاری با نهادهای شهری اهتمام ورزند تا در کنار عمل‌کرد بهتر، موجبات رضایت افراد را فراهم آورند. چرا که طبق یافته‌ها، چنانچه مردم از آگاهی کافی برخوردار نباشند و از سازوکارها اطلاعی نداشته باشند، نسبت به نهادهای مرتبط با امور شهری اعتماد و رضایت نداشته و به تبع آن‌ها مشارکتی در کار نخواهد بود.این مسئله به ویژه در نظریهٔ مبادله هومنز و اعتماد اجتماعی پاتنام آمده است. تجارب برخی از کشورها نشان می‌دهد که موفقیت بسیاری از برنامه‌های توسعهٔ شهری مستلزم درگیری و مشارکت گسترده و پایدار شهروندان، مشارکتی همراه با آگاهی بوده است. گسترش مشارکت و آگاهی بر دو شرط ضروری تأکید دارد: به وجود آمدن آگاهی با فرهنگ مدنی مناسب و ایجاد ساختارهای توزیع عادلانه فرصت‌ها برای مشارکت و بهره‌مندی شهروندان از آن و فرآوری دست‌آوردهای روشن دربارهٔ اثربخشی مشارکت. (Brinkherhoff, 2000)

صرف نظر از تفاوت‌های موجود میان مناطق مختلف که مؤید تأثیر عوامل فوق‌الذکر می‌باشد، طبق نظر اندیشمندانی چون هابرماس توسعهٔ مشارکت در امور شهری مستلزم به وجود آمدن فرهنگ مدنی مناسب در جامعه و ایجاد ساختارهای توزیع عادلانهٔ فرصت برای مشارکت برای شهروندان نیز هست. در این زمینه الگوی سازمانی مشارکت شهری سازمان‌یافته کنار مشارکت‌های خودجوش مؤثر خواهد بود. چرا که مشارکت‌های سازمان نایافته در «فرهنگ مدنی و مشارکتی» قدرتمند شکل می‌گیرد و تبدیل به هنجار می‌شود. از آن‌جا که در جامعهٔ ایران ارزش‌ها و هنجارهای مشارکتی در حوزهٔ شهر و امور شهری به طور کامل شکل نگرفته، الگوی سازمان یافته، رسمی و برنامه‌ریزی شده در کنار مشارکت‌های خودجوش بهترین راهکار خواهد بود. در این الگو، مشارکت راه حلی برای برون رفت از مشکلات و مسائل شهری تلقی شده که با دموکراتیزه کردن جامعه، تمرکززدایی و توانمندسازی اقشار مختلف جامعه به ویژه اقشار پائین همراه است.



[ Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-16 ]

در پایان بایستی خاطرنشان کرد، برای ادارهٔ مردمی شهرهای کارا و بهینه سه دسته شرط پیشنهاد شده است:

اول: اثرگذاری شهروندان و نظارت آنان به صورت مشارکت سیاسی بالا؛ ابزار تجمیع ترجیحات مردمی و تمایل آنان به واسطهٔ نهادهای مدنی؛ شیوه‌های پاسخ‌گوسازی دولت در مقابل مردم.

دوم: رهبری مسئول و پاسخ‌گو به شکل احترام عملی و واقعی به عرصه‌های عمومی و مدنی؛ شفاف و آشکار بودن فرآیندهای تدوین خط‌مشی‌ها و تصمیم‌سازی‌ها و پای‌بندی به قانون.

سوم:ادغام و همبستگی اجتماعی در قالب برابری آحاد مردم؛ مدارای بین گروه‌ها؛ پذیرش همگانی، عضویت در انجمن‌ها و سازمان‌ها بدون محروم‌سازی افراد و گروه‌ها. (Hyden, 1992 به نقل از پیران، ۱۳۷۹)



[ Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-16 ]

## منابع و مآخذ

## References


- پآریـانپور کاشـانی، عبـاس و منـوچهر آریـانپور کاشـانی (۱۳۷٤)، **فرهنـگ دانشگاهی انگلیسی ـ فارسی**، تهران: سپهر.
- اوکلـی، پیتـرو دیویـد مارسـون (۱۳۷۰)، رهیافـت‌هـای مـشارکت در توسـعهٔ روستایی، ترجمهٔ منصور محمدنژاد، **مرکز تحقیقات مسایل روسـتایی**، تهـران: انتشارات روستا و توسعه.
- بیرو، آلن (۱۳٦٦)، **فرهنگ علوم اجتمـاعی**، ترجمـهٔ بـاقر سـاروخانی، تهـران: مؤسسهٔ کیهان.
- پاتنام، رابرت(۱۳۸۰)، **دموکراسی، سنت‌های مدنی**، ترجمه محمدتقی دلفـروز، تهران:روز نامه سلام.
- پیران، پرویز (۱۳۷۹)، ادارهٔ مردمی شـهرها و ضـرورت آن در ایـران، **فـصلنامهٔ معماری و فرهنگ**، سال دوم، شمارهٔ هفتم، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- پیران، پرویز (۱۳۷٦)، **مبـانی مفهـومی و نظـری مـشارکت**، تهـران: مؤسـسهٔ پژوهش‌های برنامه‌ریزی و اقتصاد کشاورزی.
- پیران، پرویـز (۱۳۷٤)، **برنامهٔ جامع آگاه‌سازی همگانی: به سـوی پایـداری و شهروندمداری**، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- ریتزر، جورج (۱۳۷۳)، **نظریه‌های جامعه‌شناسی**، ترجمهٔ احمدرضـا غـروی‌زاد، تهران: ماجد.
- روشه، گی (۱۳۷٤)، **کنش اجتماعی**، ترجمهٔ هما زنجانی‌زاده، مـشهد: دانـشگاه فردوسی.
- زیمل، گئورگ (۱۳۷۲)، کلانشهر و حیات ذهنی، ترجمهٔ یوسف اباذری، تهران: **فصلنامهٔ علوم اجتماعی**، دوره جدید، جلد دوم، شماره ۳.
- شیانی، ملیحه (۱۳۸٤)، شـهروندی و مـشارکت در نظـام جـامع رفـاه و تـأمین اجتماعی، **فصلنامهٔ حقوق تأمین اجتماعی**، انتشارات علمـی ـ فرهنگـی، سـال اول، شماره ۱.
- علوی‌تبار، علیرضـا (۱۳۷۹)، **الگوهـای مـشارکت شـهروندان در ادارهٔ امـور شهرها**، تهران: مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهرداری تهران.




[ Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-16 ]

## منابع و مآخذ References


- محسن تبریزی، علیرضا (۱۳۷۳)، بیگانگی مانعی برای مشارکت و توسعهٔ ملـی، نامهٔ پژوهش، **فصلنامهٔ تحقیقات فرهنگی**، شماره ۱.
- میرموسوی، سیدعلی (۱۳۷۵)، **مبانی و فرهنگ سیاسی مشارکتی**، نقـد و نظـر، سال دوم، شماره ۳ و ٤ پائیز ۱۳۷۵.
- هانیتگتون، ساموئل (۱۳۷۵)، **سامان سیاسی در جوامع دسـتخوش دگرگـونی**، ترجمهٔ محسن ثلاثی، تهران: نشر علم.
- عمید، حسن (۱۳٦۹)، **فرهنگ فارسی عمید**، تهران: امیرکبیر.
- کوهن، پوسای اس (۱۳۸۱)، نظریهٔ اجتماعی نوین، ترجمهٔ یوسف نراقی، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- طوسی، محمدعلی (۱۳۷۰)، **مشارکت در مدیریت و حاکمیـت**، تهـران: مرکـز آموزشی مدیریت دولتی.
- Brinkherhoff, D (2000) **Democratic governance and sectoral Policy reform**: Tracing linkages and exploring synergies. World Development, No.28, Vol. 4.
- Charuvichaipong, Chanisada and Sajor, **Edsel (2006) Promoting waste separation for Recycling and local governauce in Thailand,** Habitat International, 30.
- Macdonald, Iaura (2000) Citizenship **Participation the Public sphere in the Americans University**.
- Schubler, Peter (1996**) Participation and Partnership in urban management and Infrastructure**. Washington D. C: Programme by world Bank.
- Ritzer, Georg (1988**) Contemporary Sociological Theory** MCGrow-Hill. Lnc. Singapore International Editions.
- Turner, Jonathan. H (1998) **The Emergence of Sociological Theory in Leonard Beeghtey Charles** H. Powers ed.,Newyork:wadsworth.
- Faurks, Keith (2000**) Citizenship. London:** Rutledge.
- Mark Karl (1973) **Selected Works** Moscow Progress Pub.
- Caotri. H. et al (1986) **Popular Participation in Development**. Paris: UNESCO.
- Hamilton. Peter (1983) Talcolt Parsons. London: **Rantedag**
- **Oxford Advanced Learners** (2008).
- Frisby,D.& Derek Sayer(1986), society, London: Tavstock P. Ellis Horwood Limited.




[ Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-16 ]